

ایمان در سنجه عمل از منظر کتاب و سنت

دکتر علی الله بداشتی^۱

چکیده

خدای سبحان در عالم وجود چه در دنیا و چه در آخرت برای هر چیز میزانی قرار داده است. انبیاء میزان سنجش ایمان و عمل امتشان هستند. در روایات اسلامی داریم علی(ع) میزان الاعمال است. میزان، اختصاص به آخرت ندارد، در جهان بشری نیز برای هر چیزی میزانی است، منطق میزان اندیشه‌های درست از نادرست، امتحان میزان یادگیری یادگیرندگان و میزان الحراره برای سنجش دمای هوا است.

سوال ما در این مقاله این است که میزان سنجش ایمان گروندگان به یک دین چیست؟ چگونه می‌توان مؤمن را از دو رویان مدعی ایمان بازشناسی کرد و یا مراتب ایمان مؤمنان را سنجید؟ اگرچه ایمان امر قلبی است و تنها خدا به درون سینه‌ها آگاه است اما ظهور ایمان در اعمال و اخلاق فردی و اجتماعی انسان حکایت‌گر خوبی از ایمان درونی است.

مدعای نگارنده در اینجا این است که دست کم یکی از مهمترین سنجه‌های ایمان عمل است و هماهنگی اعمال ایمانی با موازین دینی و شریعتی که شخص متدین به آن دین و متشرع به آن شریعت است می‌تواند سنجشگر خوبی برای مرتبه ایمان وی باشد. مراد ما از عمل در اینجا اعم است از اعمال عبادی فردی چون نماز و روزه و اخلاق و رفتار فردی و... و اعمال اجتماعی که در اخلاق و رفتار و کنش‌های اجتماعی هر فرد ظهور پیدا می‌کند که تفصیل آن در منابع دینی آمده است. هدف از این پژوهش در درجه اول تبیین اصول نظری خود آزمایی در مراتب ایمان است در مرتبه دوم می‌تواند مبنایی متقن برای مطالعات میدانی قرار گیرد و در نهایت سبب بصیرت افزایی و بالابردن سطح معرفت عمومی برای تشخیص مؤمنان حقیقی

^۱ استاد دانشگاه قم A.allahbedashti@qom.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۵

از مدعیان ایمان باشد. در نتیجه چهل مؤلفه ایجابی و سلبی به عنوان مهمترین شاخص‌های ایمان ارائه شده است.

کلید واژگان: ایمان، عمل، رفتار اخلاقی، شاخص، امامیه.

Faith in the scales of action

Dr. Ali alah Bedashti¹

Abstract

The Almighty God has set a measure for everything in the universe, both in this world and the hereafter. The prophets are the measure for assessing the faith and actions of their communities. In Islamic traditions, it is stated that Ali (AS) is the measure of deeds. The concept of measure is not exclusive to the hereafter; in the human world, too, there is a measure for everything: logic is the measure for distinguishing right from wrong thoughts, exams are the measure for assessing learners' progress, and thermometers are the measure for gauging air temperature.

The question addressed in this article is: What is the measure for assessing the faith of adherents to a religion? How can one distinguish a true believer from hypocrites who claim faith, or gauge the levels of believers' faith? Although faith is a matter of the heart, and only God knows what lies within hearts, the manifestation of faith in an individual's actions and personal and social ethics serves as a reliable indicator of inner faith.

The author's claim here is that at least one of the most important measures of faith is action. The alignment of faithful actions with the religious principles and Sharia of the religion to which the individual adheres can serve as a good gauge for their level of faith. By "action," we mean both individual devotional acts such as prayer and fasting,

¹ Professor, University of Qom A.allahbedashti@qom.ac.ir

Received Date: 21/12/2024

Accepted Date: 1/2/2025

as well as personal ethics and behavior, and social actions manifested in an individual's ethics, behavior, and social interactions, as detailed in religious sources.

The primary goal of this research is to elucidate the theoretical principles of self-assessment in the levels of faith. Secondly, it can provide a solid foundation for field studies and, ultimately, contribute to increasing insight and raising public awareness to distinguish true believers from those who merely claim faith. As a result, forty affirmative and negative components are presented as the most important indicators of faith.

Keywords: Faith, action, ethical behavior, indicator, Imami Shia.

۱- مقدمه؛ یکی از مسائل مهم در الهیات عملی رابطه ایمان و عمل است.^۱ در اهمیت عمل بعد از ایمان همین بس که امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند:

«بالایمان یُستدلُّ علی الصّالحات و بالصّالحات یُستدلُّ علی الایمان»

با ایمان است که به راه های نیکو راه می توان برد و با کارهای نیکوست که جایگاه ایمان را می توان برشمرد. (صلواتی، محمود، ۱۳۹۷، ص ۴۱۷)

زاره از امام صادق (ع) نقل کرد که فرمودند:

لا ایمان الاّ بعمل (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ هـ ق، ص ۲۷۱)

ایمان، حقیقتاً ایمان نیست مگر آنکه با عمل همراه باشد.

از کوزه همان برون تراود که در اوست. با توجه به اینکه ایمان امری قلبی است «قالت الاعرابُ أمانا قولوا أسلمنا ولكن لم تُدخِل الایمانُ فی قلوبکم» (حجرات، ۱۴) و عمل امری مربوط به اعضا و جوارح انسان است، اعمال چگونه می توانند سنجشگر مناسبی برای ایمان باشند؟ اگر چه از آن جهت که ایمان هم فعل ارادی نفس است و صرف آگاهی را نمی توان ایمان دانست می توان آن را جزو اعمال قلبی و مطلق عمل دانست؛ اما اینجا مراد اعمال بعد از ایمان است.

۲- طرح مسأله؛ مسأله مهم در این مقاله رابطه ایمان و عمل از جهت سنجش ایمان به کمک عمل است و سوال اینجاست که ایمان که امر قلبی است چگونه با اعمال که امور جوارحی (بدنی) هستند قابل سنجش است. به عبارت دیگر ایمان امر نهانی است و اعمال و رفتار انسان و به تعبیری کنش های رفتاری انسان، امور ظاهری هستند. آیا امور ظاهری می توانند معیار سنجش امر قلبی قرار گیرد؟

^۱ الهیات عملی انگلیسی (Practical theology): رشته ای دانشگاهی و شاخه ای از رشته الهیات است که به مطالعه و بررسی کنش های مذهبی می پردازد تا چگونگی بازنمایی نظریات الهیاتی در آن کنش ها را بفهمد. هدف نهایی این رشته این است که نشان دهد چگونه نظریات الهیاتی و کنش های الهیاتی می توانند ثابت مانده، تغییر کرده یا تقویت شوند. الهیات عملی - ویکی پدیا، دانشنامه آزاد <https://fa.wikipedia.org>

از سوی دیگر این سوال قابل طرح است که آیا هرکس عمل و رفتاری مشابه اعمال و رفتار دینداران انجام داد مومن است؟ این قضیه را به نحو موجهه کلیه نمی‌توان پذیرفت چون منافقان افعال دینداران را انجام می‌دادند. حتی شهادت به رسالت پیامبر اسلام می‌دادند چنانکه خدای سبحان می‌فرماید وقتی منافقان (دو رویان) به نزد تو می‌آیند می‌گویند تو رسول خدا هستی، خدا می‌داند تو رسول او هستی اما خدا شهادت می‌دهد که منافقان دروغ می‌گویند. (منافقون، ۱) یا درجای دیگر می‌فرماید: «منافقان وقتی به نماز می‌ایستند نمازشان روح ندارد، در برابر مردم ریا می‌کنند.» (نساء، ۱۴۲) و آیات دیگری که حکایت از اعمال و رفتارهای مشابه اعمال و رفتار مومنان دارد اما حکایت از ایمان فاعلشان ندارد. پس چگونه می‌توان ادعا کرد که عمل سنجشگر ایمان است؟ آن گونه که ترازو سنجشگر وزن اشیای موزون است و خط کش مقیاس راستی خطوط و زمان میزان حرکت و منطق میزان استدلال. (درستی یک استدلال عقلی را با موازینی که برای صورت و ماده استدلال بر می‌شمارند می‌سنجند.) اما آیا میزان ایمان افراد را می‌توان با کمیت اعمال سنجید یا آیا کیفیت ظاهری اعمال دلالت بر میزان ایمان دارد؟ مثلاً اگر کسی نماز بگذارد مومن است؟ آیا اگر کسی کثرت نماز داشته باشد و آداب ظاهری نماز را به خوبی رعایت کند (مثلاً مدّ «وَلَا الضَّالِّينَ» را خوب ادا کند، انگشتی عقیق و فیروزه هم برای کثرت ثواب دست کند و...) مومن است؟ همه اینها را یک منافق هم می‌تواند انجام دهد اما خدا جایگاه منافقان را جهنم می‌داند (نساء، ۱۴۵) و برای اعمالشان ارزشی قائل نیست.

از سوی دیگر آیا اگر کسی ادعای ایمان کند و ایمانش را هم محکم بداند، اما عمل نداشته باشد مومن است؟ آیا می‌شود کسی مومن باشد اما ایمان وی ظهور عملی نداشته باشد؟ نه در رفتارهای اخلاقی ظهور داشته باشد و نه در آداب اجتماعی و نه... آیات و روایات فراوانی داریم که ایمان را به ادعا نمی‌داند و نشانه آن را ظهور عملی می‌داند با توجه به این مطالب به این نکته می‌رسیم که سنجش ایمان کار آسانی نیست. پس چگونه می‌توان دست کم به طور نسبی ایمان افراد را سنجید؟ فرضیه نگارنده این است که شرط لازم ایمان عمل صالح است ایمان برانگیزاننده عمل صالح است و از آن سو تکرار عمل شایسته موجب تثبیت و تحکیم ایمان است؛ اما چنین نیست که هرکس عمل نیکی داشت مومن در اصطلاح اسلامی

به ویژه امامیه به شمار آید. اعمال و رفتارهای فرد علامت‌ها و نشانه‌های خوبی برای ایمان وی هستند چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

«كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ؛ هر کس براساس شخصیتش عمل می‌کند. (اسراء، ۸۴)

۳- سابقه مساله و پیشینه تحقیق ، مساله مورد بحث ما سابقه‌ای طولانی در تاریخ اسلام دارد بحث در این بود که آیا ایمان همان عمل است یعنی اگر کسی مومن است باید اعمال شایسته‌ای که وظیفه ایمانی شمرده شده است انجام دهد و الا ادعای او دروغ است و از ایمان خارج شده و کافر گشته است^۱ (شهرستانی، ۲۰۰۱، ص ۱۳۳). یا مسلک کسانی درست است که عمل را جزئی از ایمان می‌دانند یا دیدگاه کسانی که ایمان را جزئی از حقیقت ایمان نمی‌دانند اما شرط لازم و کمال ایمان می‌دانند یا مسلک گروهی دیگر از متکلمان و مفسران درست است که عمل را نه از اجزای ایمان می‌دانند و شرط لازم آن. (همان ص ۱۶۱ و ۱۶۲) جز گروه اخیر که در تاریخ اسلام مرجئه^۲ نامیده می‌شوند و عمل را نه جزء ایمان و نه از لوازم ایمان می‌دانند، سایر متکلمان فرق برخی تمام ایمان را همان عمل می‌دانند مانند خوارج که چنین بودند و فاعل گناه کبیره را کافر پنداشته و کشتنش را واجب می‌دانستند (معیار تشخیص کبیره بودن گناه را معرفت خودشان از دین می‌دانستند). و برخی مانند معتزله و شماری از امامیه عمل را جزئی از ایمان می‌دانند. (شهرستانی، ۲۰۰۱، ص ۹۲؛ جمال الدین مقداد، ۱۳۸۷، ص ۴۴۰؛ معتزلی، عبدالجبار، ۱۹۹۶م، ص ۷۰۷). اما گروهی دیگر از عالمان امامیه عمل را جزئی از حقیقت ایمان نمی‌دانند اما شرط لازم و سبب کمال ایمان می‌دانند از نگاه نگارنده این قول به ثواب نزدیکتر است که در سطور آینده بدان می‌پردازیم. پیشینه تحقیق درباره آزمون پذیری دین داری کارهایی انجام شده است که در این راستا از تحقیقات زیر می‌توان نام برد:

^۱ خوارج در تاریخ اسلام اولین گروهی هستند که ایمان را همان عمل دانسته و مرتکب گناه کبیره را کافر می‌شمردند.

^۲ مرجئه اولین گروهی هستند که ایمان را فقط باور قلبی و نهایتاً اقرار زبانی دانستند.

۱- تهیه و ساخت آزمون جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، مسعود آذربایجانی پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲، این اثر در صدد بیان مؤلفه‌های دینداری با استفاده از ابزارهای علمی است.

۲- مطالعه و انواع دینداری دانشجویان، سید محمد میر سندسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳ در این تحقیق انواع دینداری با ابزار پرسشنامه بررسی شده است.

۳- شاخص‌های دینداری، مهدی مهریزی ۱۳۹۵ در این تحقیق شاخص‌های دینداری از ابعاد مختلف معرفی شده است.

آنچه تحقیق پیش رو را از بقیه ممتاز می‌کند رابطه ایمان و عمل و بررسی سنجشگری عمل برای ایمان است. پیش از ورود به بحث لازم است معنای مورد نظر نگارنده از ایمان و عمل بیان شود.

۴- مفاهیم کلیدی

۴-۱. ایمان دینی؛ ایمان در لغت از ماده اَمَنَ به معنای سکون قلب و مقابل خوف و تصدیق آمده است. (جوهری، ۱۳۶۸، ص ۲۰۷۱؛ ابن فارس، احمد، ۱۳۸۲، ص ۴۹). اما در اصطلاح الهیدانان برای ایمان تعاریف پر شماری گزارش شده است، بعضی از متکلمان معتزلی آنرا انجام فرائض (واجبات) و مستحبات و ترک محرمات می‌دانند (عبدالجبار معتزلی ۲۰۰۱م، ص ۷۰۷) ابوالحسن اشعری ایمان را تصدیق قلبی و اقرار زبانی می‌داند (شهرستانی ۲۰۰۱م، ص ۱۱۴) از عالمان امامیه برخی مانند شیخ صدوق در تعریف ایمان، آن را به مصادیق و کاربردهای عملی آن تعریف کرده است: «الایمان هو اداء الفرائض و اجتناب الکفر و الایمان هو معرفه بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالارکان و الاقرار بعذاب القبر و منکر و نکیر و البعث بعد الموت و الحساب و الصراط و المیزان.» (صدوق، ۱۳۹۲، ص ۶۰۹) ایمان همان انجام واجبات و دوری از کفر [به معنای عام آن] و بیان به زبان و عمل کردن با اعضاء و جوارح و

تصدیق به عذاب قبر و نکیر و منکر و برانگیخته شدن بعد از مرگ و حسابرسی اعمال و عبور از پل صراط و ترازوی اعمال است.^۱

شیخ مفید ایمان را مرکب از معرفت قلبی و اقرار زبانی و عمل جوارحی می‌داند (مفید بی تاص ۵۴) خواجه نصیر طوسی در تجرید الاعتقاد ایمان را تصدیق قلبی و اقرار زبانی (حلی، ۱۷۰۷هـ، ص ۴۲۶) و ابن میثم بحرانی (۱۴۰۶م، ص ۱۷۰ و زین الدین عاملی (العاملی، بیتا ص ۴۸) ایمان را تصدیق قلبی می‌دانند.

از نگاه نگارنده ایمان تصدیق قلبی آگاهانه و آزادانه متعلق آن است، توضیح اینکه ایمان از باب تفعیل و متعدی است پس نیاز به فاعل و فعل و متعلق دارد در ایمان، ایمان آورنده فاعل، پذیرش آگاهانه و آزادانه قلبی گزاره‌ای که تصور کرده فعل، و محتوای گزاره متعلق فعل اوست. به عبارت دیگر ایمان معرفت به یک حقیقت جاودانه همراه با تصدیق عاشقانه است چنانکه در روایاتی از پیامبر اکرم (ص) از مقوله حبّ آمده است «... أَوْثَقُ عَرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ، وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ...» (کلینی، محمد، ۱۴۰۷هـ.ق، ص ۳۲۲). محکم‌ترین ریسمان ایمان دوست داشتن برای خدا و نفرت داشتن برای خداست، تصدیق زبانی و اعمال جوارحی (بدنی) از لوازم و عوارض ذاتی ایمان هستند. و در حد ایمان داخل نیستند. چرا که حدّ باید مانع اغیار باشد؛ می‌تواند کسی اقرار زبانی داشته باشد و اعمال ظاهری که مومنان انجام می‌دهند انجام دهد اما مومن نباشد و در اصطلاح قرآن منافق باشد. (الله بداشتی ۱۳۹۹ ص ۴۴۱-۴۴۷)

۲-۴. عمل؛ مراد ما از عمل در اینجا کنش یا واکنشی است که انسان بر اساس آزادی اراده انجام می‌دهد، منشاء آن خواه عقل باشد یا وهم و به تعبیر حکمای اخلاق خواه به فرمان عقل باشد یا غضب یا شهوت یا واهمه. (نراقی ۱۹۶۳م ص ۱۹۱)

اعمال را از چند جهت می‌توان تقسیم کرد: الف، از جهت درونی یا ذهنی و بیرونی یا بدنی. (جوانحی یا جوارحی) ب، از جهت فردی و اجتماعی. ج، از جهت عبادی و اخلاقی؛

^۱ برای توضیح بیشتر رک توحید و صفات الهی از نگارنده ص ۴۴۱-۴۴۹

اعمال عبادی و رفتار اخلاقی را هم به عبادت و اخلاق و رفتار فردی و اخلاق و رفتار اجتماعی تقسیم می‌شود البته رفتار هم بعضی در مجموعه اخلاق و بعضی در مجموعه آداب (آداب فردی و آداب اجتماعی و آداب عبادی یا بندگی و آداب استادی - آداب دانشجویی آداب همسایگی و آداب رفتار با مومنان و غیر مومنان) و... قرار می‌گیرد.

۵- سنجشگری عمل برای ایمان

عمل شایسته در آیات و روایات زیادی به عنوان سنجش‌گر ایمان معرفی شده است و اعمال ناشایسته نشانه دوری از ایمان است. علاوه بر آن با استدلال عقلی و مراجعه به آرای عقلا هم می‌توان دست کم با یک استقرای منطقی حکمی بر مومن بودن مدعیان ایمان کرد. ما در اینجا پس از بیان دلیل عقلی رابطه ایمان و عمل، دو دسته از آیات و روایات را که دلالت بر سنجشگری ایمان دارد به اختصار بیان می‌کنیم. دسته اول آیات و روایاتی که جنبه اثباتی ایمان را بیان می‌کند. دسته دوم آیات و روایاتی که اعمالی را بیان می‌کنند که نشانه فقدان ایمان در عامل آن رفتار و اعمال است. از سوی دیگر همان گونه که در تعریف و تقسیم عمل بیان شد اعمال را به اعتبارهای مختلف می‌توان تقسیم‌بندی کرد که در ادامه در حد گنجایش مقاله اشاره می‌شود.

استدلال عقلی؛ در هر عملی به تحلیل منطقی قبل از تحقق آن باید مقدماتی حاصل شود. اول علم و آگاهی به فایده‌مندی آن به طور عام، مثلاً اگر کسی می‌خواهد به فقیری کمک کند ابتدا باید فقیری را بشناسد. دوم اینکه باید علم به توانمندی مالی خودش داشته باشد که توان کمک را دارد. سوم اینکه بداند این کمک برای فقیر منفعت دارد. چهارم اینکه بداند این کمک کردن برای خودش منفعت دنیایی یا اخروی یا فراتر از اینها که رضای الهی باشد دارد. « انما نطعمکم لوجه الله لا نريد منکم جزاءً ولا شکوراً » (انسان، ۹) پس از این آگاهی‌ها به یافته‌ها و شناخت خویش باور داشته باشد. پس از این باور اراده انجام فعل حاصل شود. پس از این اراده جزمی است که عمل صورت می‌گیرد. پس افعال ما همواره مقدماتی دارد که یکی از آنها پس از علم و آگاهی ایمان است و این باور استوار است که اراده ما را شکل می‌دهد

پس اراده آزاد و عمل اختیاری ما بر اساس باورهای ما شکل می‌گیرد. این باورها خواه دینی باشند یا غیر دینی، در هر صورت در اعمال ما تأثیر گذار هستند. پس نمی‌تواند کسی ادعا کند به یک مسأله باور استواری دارد اما این باور در اعمال اختیاری او تأثیری ندارد.

بررسی تاریخی و میدانی نزاع‌های اجتماعی نیز حکایت از این دارد که بسیاری از آنها در دفاع از عقیده و ایمان است. مانند نزاع ابراهیم (ع) و نمرود، موسی (ع) و فرعون، پیامبر اکرم (ص) و کفار و مشرکان و...

استدلال به آیات و روایات، آیات و روایات پر شماری داریم که بیان می‌کند عمل شایسته دلالت بر ایمان عامل آن دارد، قرآن کریم می‌فرماید: «يَصْعَدُ إِلَيْهِ كَلِمُ الطَّيِّبِ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر، ۱۰) علامه طباطبایی می‌نویسد که مراد از کلم طیب، عقاید حقی است که انسان اعتقاد به آن را زیر بنای اعمال خود قرار می‌دهد، و قدر یقینی چنین عقایدی کلمه توحید است، که برگشت سایر اعتقادات حق نیز به آن است، و این کلمه توحید و صعود کردن «کلم طیب» به سوی خدای تعالی، عبارت است از تقرب آن به سوی خدا، چون چیزی که به درگاه خدا تقرب یابد، اعتلا یافته، برای اینکه خدا تعالی بلند مرتبه است، و چون اعتقاد، قائم به دارنده اعتقاد است، در نتیجه تقرب اعتقاد به خدا، تقرب معتقد نیز هست. البته این هم معلوم است که وقتی اعتقاد و ایمان، حق و صادق بود، قهرا عمل صاحبش هم آن را تصدیق می‌کند نه تکذیب، یعنی عملی که از او سر می‌زند مطابق با آن عقاید است. پس معلوم شد که عمل از فروع علم و آثار آن است، آثاری که هیچ گاه از آن جدا شدنی نیست، و هر چه عمل مکرر شود، اعتقاد راسخ‌تر و روشن‌تر، و در تأثیرش قوی‌تر می‌گردد، پس عمل صالح عملی است که سزاوار هست مورد قبول خدا واقع شود، چون مهر ذلت عبودیت و اخلاص به آن خورده، و چنین عملی اعتقاد حق را در مؤثر گشتن، یعنی در صعود به سوی خدا کمک می‌کند. و منظور از «یرفعه» همین کمک است، پس عمل صالح «کلم طیب» را بلند می‌کند، و به عبارت دیگر در صعود آن کمک می‌کند (طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴، صص ۲۹ و ۳۰).

در سوره بقره آیه ۲۸۵ به صورت کلی اطاعت را نشانه ایمان بر شمرده است. می فرماید مؤمنان به خدا و ملائکه و کتابهای آسمانی و رسولان الهی ایمان دارند. ... و می گویند: «سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا» در سوره مومنون (مؤمنون آیات اول تا دهم). و... چند مشخصه ایجابی ایمان آمده است، در اینجا بر اساس تقسیم اعمال به اعمال عبادی و رفتارهای اخلاقی و سایر اعمال شایسته نشانه های ایمان را بررسی می کنیم:

شاخص های عبادی ایمان؛ بعضی شاخص ها از دیدگاه امامیه امور کلی هستند مانند اطاعت از خدا و اطاعت از رسول خدا و صاحبان امر (امامان معصوم) «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اُولی الامر منکم» (نساء، ۵۹) یعنی لازمه ایمان اطاعت از خدا و فرمانبرداری از رسول خدا و امامان معصوم است. علاوه بر این شاخص های کلی، شاخص های جزئی تری به عنوان نشانه های ایمان معرفی شده اند مانند:

۱. **اقامه نماز (المقیمین الصلوه ؛ نساء ۱۷۶)** فروتنی و دلدادگی به خدا در نماز

(الذین هم فی صلواتهم خاشعون؛ مومنون، ۲) و دیگر آیاتی که در این باب آمده است. در روایات نیز نماز بعد از معرفت دینی مهمترین عمل شمرده شده است. در حدیثی از امام صادق (ع) در باره حدود (مرزهای) ایمان سوال شد امام (ع) بعد از شاخص های اعتقادی اولین شاخص عملی عبادی را نمازهای پنجگانه دانستند. (کلینی کافی ج ۳ ص ۲۹ باب دعائم الاسلام)

۲. **پرداختن زکات «الذین هم للزکوه فاعلون» (مومنون، ۴ و نساء ۱۶۲ و...)** و

هزینه کردن مال و ثروت در جهت رفع نیاز نیازمندان به خاطر خدا (انفال ۳ و... (اقامه صلوه و پرداخت زکوه و انفاق (هزینه کردن در راه خدا در آیات دیگر مانند انفال ۴۰ و توبه ۴۰ و ... تکرار شده است.) در روایات زکات بعد از نماز مهم شمرده شده است. از امام صادق (ع) درباره اهمیت زکات سوال شد فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ الصَّلَاةَ** (مجلسی، ج ۳، ص ۲) همانگونه که خدای سبحان نماز را واجب کرد زکات را نیز واجب ساخت. در زکات ایمان به وجوب زکات کافی نیست بلکه باید زکات را پرداخت کرد گرچه مفهوم زکات

بیشتر تبادر به زکات مالی دارد اما در روایات ما هر چیز زکاتی دارد مانند روایت جَابِرِ که از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ گزارش کرد: «زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ؛ زکوة علم این است که آن را به بندگان خدا بیاموزی.»^۱ (کلینی بی تا، ص ۵۱)

۳. **روزه ماه مبارک رمضان**، خداوند در قرآن ایمان آورندگان را به روزه رمضان دعوت کرده است می فرماید: «یا ایهاالذین آمنوا کتب علیکم الصیام...» (بقره، ۱۸۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما مقرر شده است.

۴. **انجام حج خانه خدا**، مؤمن برای خدا در صورت استطاعت (بدنی و مالی) به زیارت خانه خدا می‌رود: «یا یایهاالذین آمنوا ... أتَمُوا الْحَجَّ وَالْعَمْرَةَ لِلَّهِ...» (بقره، ۱۸۳ و ۱۹۶)

امور دیگری مانند خمس و... هستند که به جهت اختصار بیان نشده اند

ویژگی‌های اخلاقی (رفتارهای اخلاقی سنجشگر ایمان)

۱- **عدالت ورزی**؛ عدالت ورزی برای هر مؤمنی بویژه برای کسانی که در مصدر دآوری و حکمرانی قرار دارند سنجشگر خوبی برای ایمان درونی آنان است. خدای سبحان یکی از اهداف ارسال رسولانش و فرو فرستادن کتاب و میزان را قیام مردم به قسط و عدل قرار داده است (حدید، ۲۵) قرآن کریم عدالت ورزی را نه تنها مسولیت اخلاقی مؤمنان در جامعه ایمانی نسبت به برادران دینی و شهروندان مسلمان می‌داند بلکه توصیه می‌کند که حتی نسبت به دشمنان نیز باید با عدالت رفتار کرد چنانکه می‌فرماید یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده، ۸) ای کسانی که ایمان آوردید برای خدا بپاخیزید و با دادگری گواهی دهید و نباید دشمنی با گروهی شما را وادارد که دادگری نکنید، دادگری ورزید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است و از

^۱ کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی (۴جلدی) ج ۱ ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی

خداوند پروا کنید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است. در این آیه شریفه چند بار تأکید بر دادگری شده است اول اینکه خطاب آیه به کسانی است که ایمان آوردند پس دادگری در مقام شهادت و داوری یکی از لوازم ایمان است، دوم قوام صیغه مبالغه است و دلالت بر کثرت قیام دارد و اینکه این قیام باید برای خدا باشد، سوم همه ایمان آوردندگان باید برای خدا شهادت دهند نه منافع قومی، حزبی یا گروهی. چهارم، دشمنی با یک گروهی سبب نشود در مقام شهادت یا دادگری از جاده عدالت خارج شوند بلکه همواره باید پاسداران عدالت باشند. پنجم فرمود عدالت ورزی به تقوی نزدیکتر است. ششم فرمود خدا به اعمال شما آگاه است یعنی تصور نکنید اگر در مقام شهادت و داوری از جاده عدالت خارج شدید سودی بردید بلکه بدانید خدا از اعمال شما آگاه و با خبر است و در روز قیامت از شما حساب می‌کشد. پس عدالت ورزی وظیفه همه مؤمنان به ویژه قاضی‌ها و حاکمان است، عدالت پیشگی حاکمانی که به نام اسلام حکومت می‌کنند میزان خوبی بر ایمان آنان به توحید و معاد است.

۲ و ۳- امانتداری و وفای به عهد: وفای به عهد و امانتداری وظیفه مهم اخلاقی هر انسانی به ویژه مؤمنان است قرآن کریم به عنوان دو شاخص ایمانی در وصف مؤمنان می‌فرماید «الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مومنون، ۸) مؤمنان امانت‌های الهی را حفظ می‌کنند و به عهدی که با خدا و مردم می‌بندند وفادارند. واز پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمودند کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد هر گاه وعده‌ای داد باید به وعده‌اش وفا کند. (موسوعه احادیث نبوی ص ۳۳۸)

۴- راستگویی و صداقت: از صفات بارز مؤمنان راستگویی و اجتناب از دروغگویی و صداقت در عمل است. شیخ صدوق (ره) با اسنادش از امام صادق (ع) و ایشان از امیرمؤمنان گزارش کردند که امیرمؤمنان فرمودند «إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عِلْمَاتٍ يَعْرِفُونَ بِهَا: برای دینداران نشانه‌هایی است که با آن‌ها شناخته می‌شوند. صدق الحدیث و اداء الامانه و الوفاء بالعهد و صلة الرحم و رحمة الضعفاء... و بذل المعروف و حسن الخلق و سعة الخلق و اتباع العلم و...» (صدوق، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸) راستگویی، ادای امانت، وفای به

عهد، صلح ارحام، ترحم بر ضعیفان، خوبی کردن بر دیگران، خوش خلق، گشاده رویی، پیروی از علم و روی آوردن به آنچه که او را به خدا نزدیک می‌کند. در این روایت راستگویی در راس صفات مؤمنان آمده است اگرچه به صفات دیگری نیز اشاره شده که در نشانه‌های پیشین آمده یا در پسین بیان می‌شود.

۵ و ۶- پاک چشمی و پاکدامنی؛ از نگاه قرآن پاک چشمی و پاکدامنی از اوصاف مومنان است فرو هشتن نگاه در مواجهه با نامحرمان نشانه پاک چشمی و ایمان است. همانگونه که پاکدامنی چنین است و در این مسائل تفاوتی بین زنان و مردان نیست. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

« قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ... » (نور، ۳۰ و ۳۱). در سوره مؤمنون نیز می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْئُوتِهِمْ حَافِظُونَ» (مؤمنون، ۵).

۷- توکل بر خدا: مومن بیش و پیش از آن که بر دیگران تکیه کند در امورش به خدا توکل می‌کند. توکل یعنی واگذار کردن امور به دیگری. مومن در همان حال که برای انجام وظایف دینی و دنیوی خودش تلاش می‌کند نتیجه و عاقبت کار را به خدا واگذار می‌کند. چنانکه قرآن کریم در وصف مبارزان جنگ احد می‌فرماید دو گروه از شما تصمیم گرفتند سستی کنند و از وسط راه برگردند ولی چون خدا یارشان بود [پایدار ماندند]. مومنان باید فقط به خدا توکل کنند. (آل عمران ۱۲۲) در آیه ۱۶۰ همین سوره باز خداوند تاکید می‌کند «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران ۱۶۰) مومنان باید به خدا توکل کنند این توکل بر خدا در آیه ۱۱ سوره مائده و آیه ۲ انفال و ... نیز تکرار شده است. کلینی(ره) با اسنادش از امام علی علیه السلام گزارش می‌کند: ایمان چهار رکن دارد: توکل بر خدا، واگذاری کار به خدا، و... (کلینی، کافی ج ۳ بی تا ص ۷۹) توکل بر خدا از ارکان ایمان است و نشانه اهل توکل صبر و استقامت در امور در جهت رسیدن به اهداف مهم است چنانکه به بیان قرآن رسولان الهی مؤمنان راستین اینگونه بوده‌اند (ابراهیم، ۱۱ و ۱۲، نحل ۴۲).

۸- دوستی با مؤمنان و پذیرش ولایت مومنان و سرباز زدن از دوستی کفار: در سوره

توبه می‌فرماید مردان و زنان مومن دوستان و یاوران یکدیگرند (توبه ۷۱) در سوره حجرات می‌فرماید «انما المومنون اخوة» و می‌فرماید: «بعضهم اولیاء بعضی...» در سوره ممتحنه می‌فرماید «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء...» (آیه ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمنان من و دشمنان خودتان را دوست نگیرید.

۹- امر به معروف و نهی از منکر کردن: در همان سوره توبه (آیه ۷۱) در وصف مردان و

زنان با ایمان می‌فرماید «... یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر...» مردان و زنان مومن یکدیگر را به کارهای شایسته فرمان می‌دهند و از کارها و رفتارهای زشت باز می‌دارند البته انجام این دو واجب الهی شرایطی دارد که در فقه بحث می‌شود.

۱۰- اصلاح بین برادران دینی: یکی از ویژگی‌های رفتاری مومنان این است که نسبت به

سرنوشت برادران دینی و جامعه ایمانی بی تفاوت نیست؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید «انما المومنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم...» مومنان با یکدیگر برادرند بین برادرانتان صلح و دوستی برقرار کنید و نگذارید آتش دشمنی در جامعه فروزان گردد.

۱۱- صبر؛ کلینی با اسنادش از امام صادق (ع) گزارش می‌کند که «الصبر رأسُ الايمان»

(کلینی، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۰) یعنی اگر ایمان را به منزله انسانی تشبیه کنیم صبر به منزله سر نسبت به سایر اعضای انسان است. سایر اعمال و اوصاف اخلاقی به منزله دیگر اعضا - البته صبر در روایت رسول خدا (ص) بر سه قسم است: صبر بر مصائب، صبر در نعمت و صبر در اطاعت و پرهیز از معصیت خدا. (کلینی، ج ۳، ص ۱۴۵) یعنی آنجا که انسان عملی از فرامین الهی را مواجه می‌شود در انجام آن ایستادگی بخرج دهد و آنجا که در مقابل گناه و معصیت الهی مواجه می‌شود نفس خویش را کنترل کرده و از ارتکاب معصیت خودداری ورزد. در روایت دیگر به همین مضمون در اهمیت صبر در سنجش ایمان آمده همان گونه که اگر سر از انسان جدا شود جسد را باید

دفن کرد، صبر از ایمان جدا شود ایمان می‌رود. در روایت دیگر آمده لاَ اِيْمَانَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ» (کلینی، ج ۳، ص ۱۴۲)

۱۲- رعایت حقوق دیگران، حسین بن سعید کوفی اهوازی از معلی بن خنیس گزارش

می‌کند که از امام صادق (ع) در باره حق مومن بر مؤمن پرسیدم، امام صادق (ع) فرمودند مومن بر مومن هفت حق واجب دارد که آسان‌ترین آن این است: «أَنْ تُحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَنْ تُكْرَهَ لَهُ مَا تُكْرَهُ لِنَفْسِكَ». آنچه برای خودت دوست داری برای او دوست داشته باشی و آنچه برای خودت نمی‌پسندی برای او نپسندی.

دوم اینکه با جان و مال و زبان و دست و پایت کمک کار او باشی.

سوم اینکه در خوشنودی او گام برداری و از هر گونه ناراحتی برایش اجتناب کنی و خواسته‌های او را اجابت کنی.

چهارم اینکه چشم‌بینا، راهنمای آشنا و آینه‌ای برای او باشی.

پنجم اینکه مبدا تو سیر باشی و او گرسنه، تو سیراب و او تشنه، تو پوشیده از لباس و او برهنه باشد.

ششم اینکه سوگند او را تصدیق و دعوتش را اجابت کنی هر گاه مریض شد عیادتش کنی و از دنیا رفت بر جنازه‌اش حاضر شوی. اگر نیازمند بود نیازش را برطرف نمایی و او را مجبور نسازی که از تو درخواست کند. یعنی نیاز او را قبل از سوال کردن بر طرف کنی. اگر این کارها را انجام دادی ولایت و دوستی تو با او و دوستی او با تو محکم شده است و... (کوفی، حسین، ۱۳۸۶، ص ۸۱ و ۸۲)

۱۲- گره‌گشایی از کار مومنان: عن ابی عبدالله (ع) «أَنَّه قَالَ أَيُّهَا مَوْمِنٍ نَفْسٍ عَنْ مَوْمِنٍ

كَرْبَةً نَفْسَ اللَّهِ عَنْهُ سَبْعِينَ كَرْبَةً الدُّنْيَا وَ كَرْبٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» هر کس از مومنی گره‌ای بگشاید و اندوهی بر طرف کند خداوند از او ۷۰ گره دنیایی گشوده و اندوه آن را بر طرف کرده و اندوه بزرگ روز قیامت را نیز از او بر طرف نماید. و فرمود: مَنْ يَسِّرْ مَوْمِنًا وَ هُوَ مُعَسِّرٌ يَسِّرَ اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. (کوفی، حسین، ۱۳۸۶، ص ۹۸) کسی مؤمنی را از مشکلات رهایی بخشد. خداوند نیازهای دنیایی و اخرویش را بر طرف نماید.

۱۳- تلاش در دین شناسی و شناساندن آن: مومن باید دین شناس باشد و پس از کسب معرفت دینی دیگران را انداز نماید قرآن کریم می‌فرماید، « فلو لا نَفَرَمِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوْا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوْا قَوْمَهُمْ ... » علم و آگاهی نسبت به دین یک مرتبه آن عام برای همه مومنان است که بدانند تا بر اساس علم عمل کنند اما مرتبه‌ای دیگر تفقه در دین، دین شناسی تخصصی است. امروزه در جامعه ما فقیه از معنای قرآنی خودش کمی دور شده است و بیشتر علم برای عالم به احکام عملی دین شده است. آیات پر شمار دیگری هستند که عمل را نشانه استواری ایمان می‌داند.

اعمال دینی اجتماعی

او ۲ و ۳- هجرت و جهاد در راه خدا و پناه دادن به مهاجران: از ویژگی‌های مومن تلاشگری در راه خداست در سوره انفال خدای تعالی می‌فرماید مسلمانانی که مهاجرت کردند و در راه خدا جهاد کردند (یا جنگیدن) و آنان که مهاجران را پناه دادند و مجاهدان را یاری کردند اینان مومنان حقیقی هستند. (انفال ۷۴) البته اعمال زیادی جنبه اجتماعی دارند اما برخی از آنان مانند زکوة و انفاق جنبه عبادی و بعضی در اخلاق اجتماعی قرار می‌گیرد که بحث شد. اما چرا هجرت مهم شمرده شده است به این دلیل است که مؤمن وقتی در محیطی قرار می‌گیرد که نمی‌تواند به وظایف ایمانی‌اش عمل کند باید به سرزمین اهل ایمان مهاجرت کند تا ایمانش حفظ شود.

در پایان این بخش گفتنی است که روایاتی هستند که مجموعه‌ای از نشانه‌های فردی و اجتماعی ایمان را با هم بیان می‌کند، اما چون تقطیع آن موجب طولانی شدن بحث می‌شود با هم آورده می‌شود.

شیخ صدوق در کتاب الخصال با سلسله سندش از پیامبر(ص) خطاب به علی(ع) گزارش می‌کند که فرمود: یا علی سبعة من کنّ فیه فقد استكمل حقیقة الایمان و ابواب الجنة مفتحة له: من اسبغ وضوءه و احسن صلاته و ادا زکاة ماله و کف غضبه و سجن لسانه و استغفر لذنبه و ادى النصیحة لاهل بیت نبیه. یا علی اگر کسی هفت

صفت داشته باشد حقیقت ایمانش کامل می‌شود و درهای بهشت به رویش باز می‌شود: کسی که وضوی کامل بگیرد و نمازش را خوب بجا آورد، زکات مالش را بدهد خشم خود را فرو برد زبانش را زندانی کند [یعنی سخن به دروغ و لغو نگوید] از گناهانش آمرزش بخواهد و حق خیرخواهی را درباره اهل بیت پیامبرش ادا کند. (صدوق، ۱۳۹۲، ص ۴۷۴ و ۴۷۵)

در روایتی دیگر شیخ صدوق (ره) با اسنادش از امیر مومنان علی (ع) نقل می‌کند مومن کسی است که هفت صفت در او باشد کسب او پاکیزه باشد، اخلاق نیکو داشته باشد، باطن او سالم باشد (صحت سریره) و زیادی مالش را انفاق کند و از سخن اضافی پرهیز کند. مردم از شر او در امان باشند و با مردم با انصاف رفتار کند. (صدوق، محمد، ۱۳۹۳، ۴۸۳)

در روایتی دیگر صدوق با اسنادش از کسی که از امام صادق (ع) درخواست کرد تا مومن را برای او توصیف کند فرمود: مومن در دینش قوی و محکم است در عین نرمی دور اندیش است، ایمانش سرشار از یقین است و در فراگیری برای دانایی و دین شناسی حریص است. در راه هدایت با نشاط و در نیکوکاری پایدار است علم توأم با حلم (بردباری) دارد، در عین مدارا زیرک است در راه حق سخاوتمند است و در هنگام توانگری مقتصد و میانه رو است در هنگام نیازمندی آراسته است. [تا نیازمندیش ظاهر نشود]. در عین قدرت [برای انتقام] عفو و گذشت دارد و در عین خیرخواهی مطیع و فرمانبردار است. با وجود تمایل [نفسش به لذتها ...] از حرام می‌پرهیزد در مخالفت با نفس حریص است در عین گرفتاری نمازگزار است [از نماز غافل نیست] در سختی‌ها مقاوم و صبور است در فتنه‌های تکان دهنده باوقار است در سختی‌ها شکیباست و در آسایش شکور [بسیار شکر گزار است]. (صدوق، ۱۳۸۹، ص ۹۳-۹۵)

سپس در ادامه می‌فرماید: مومن یاور مظلومان است و بر تهی‌دستان رحم می‌کند... در حلم و بردباری‌اش کاستی نیست و در رای و نظرش سستی راه ندارد دینش را برای دنیا تباه نمی‌کند. (صدوق، ۱۳۸۹، ص ۹۵ و ۹۶)

از امام رضا(ع) نقل شده که مؤمن به حقیقت ایمان دست نمی‌یابد مگر آنکه در او سه ویژگی باشد سنتی از پروردگارش و سنتی از رسولش و سنتی از ولی الهی. اما سنتی که از پرورگار خود باید کسب کند کتمان اسرار دیگران، اما سنتی که از پیامبرش باید بیاموزد مدارا کردن با مردم است و اما سنتی که از امام زمانش باید بیاموزد صبر بر مشکلات و سختی‌ها است. (الحرانی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳).

در این روایت‌ها که مانندش کم نیست به چند صفت که از نشانه‌های ایمان است اشاره شده است. نشانه‌های فردی که جنبه عبادی دارد مانند وضوی کامل، نماز نیکو، طلب آمرزش برای گناهان؛ داور سنجش این اوصاف هر کس خودش است اما چند صفت است که نمود اجتماعی دارد مانند: ۱- فرو خوردن خشم آنگاه که از کسی خشمناک است، ۲- کنترل زبان در هنگام سخن گفتن (پرهیز از دروغ و بیهوده گویی)، ۳- خیر خواهی اهل بیت پیامبر، ۴- کسب پاک و حلال، ۵- دادن زکات مال و انفاق کردن در راه خدا به فقیران و نیاز مندان، ۷- رعایت عدل و انصاف در معامله با مردم، ۸- خوش اخلاقی و گشاده رویی به گونه که مردم از شرش آسوده و به خیرش امیدوار باشند، ۹- راستگویی، ۱۰- ادای امانت، ۱۱- وفای به عهد، ۱۲- صله ارحام، ۱۳- ترحم بر ضعیفان، ۱۴- خوبی کردن بر دیگران، ۱۵- پیروی از علم.^۱

اعمال ناسازگار با ایمان و شاخص‌های بی‌ایمانی یا ضعف ایمان:

۱. افشای لغزش‌های مومنان: از امام صادق(ع) نقل شده که اقرب ما یكون العبد الی الكفر، ان یكون الرجل مؤاخیا علی الدین ثم یحفظ زلّاته و عثراته لیعنقه یوماً ما (کوفی اهوازی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰) نزدیکترین چیزی که بنده را به کفر می‌کشاند این است که

^۱ بسیاری از اینها صفاتی هستند که دیگران هم می‌توانند ایمان آورندگان را با آنها بسنجند. آنچه که بیان شد پاره‌ای از امور عبادی، اخلاقی و رفتاری هستند که از جنبه ایجابی سنجشگر ایمان هستند. آیات پر شمار دیگری هستند که عمل را نشانه استواری ایمان می‌داند.

با کسی ادعای برادری دینی کند سپس اشتباهات و لغزش‌های او را جمع کند که روزی آن لغزش‌ها را به رخ او بکشد.

در روایتی دیگر از امام صادق(ع) گزارش شده است که فرمود: « و قال النبی(ص) من اذاع فاحشۀ کان کمبتدئها و من غیر مؤمناً بشیء لم یمت حتی یرتکبه (کوفی اهوازی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰ و ۱۴۱)؛ پیامبر اکرم(ص) فرمودند کسی گناهی را انتشار دهد مانند کسی است که آن را ابتدا انجام داده است، و کسی که مومنی را به گناهی سرزنش کند نمی‌میرد تا به همان گناه مرتکب شود. از امام صادق(ع) گزارش شده است: من حتک سرّ مومن هتک الله سرّه یوم القیامه (کوفی اهوازی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶) هر کس اسرار مؤمنی را فاش کند خداوند اسرارش را روز قیامت فاش کند. در روایت دیگر آمده کسی که اسرار مومنی را فاش کند(عیب‌های او را آشکار نماید) کار حرامی کرده است. (کوفی اهوازی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲)

۲. **پرده دری و اتهام زنی**، در جامعه ایمانی اگر کسی برادر دینی‌اش به بی دینی متهم نماید پیوند برادریش را گسسته و ایمان از قلبش زایل می‌شود. چنانکه از امام صادق(ع) گزارش شده است که فرمودند: هر دو مومنی بین آنها حجاب و پرده ای است... اگر به او تهمتی بزند، ایمان در قلبش ذوب می‌شود و از قلبش بیرون می‌رود آن گونه که نمک در آب حل شود. (کوفی اهوازی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲) متأسفانه بعضی از مردم عادت دارند بی پروا به هر کس را که در چارچوب افکارشان نگنجد و رقیبان حزبی و سیاسی خویش اتهام‌های بی اساس بزنند تا از میدان رقابت حذف کنند.

۳. **تحقیر مؤمنان**؛ هیچ مؤمنی حق ندارد حس خود برتر بینی داشته و دیگران را خوار شمارد در روایتی از امام صادق(ع) آمده که فرمودند: مومنی برادر مومنش را خوار نمی‌کند در حالی که می‌توانست یاریش کند. مگر اینکه خدا در دنیا و آخرت خوارش گرداند (کوفی اهوازی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴). در روایتی دیگر از امام صادق(ع) آمده که فرمودند کسی که مومن فقیری را تحقیر کند خداوند او را حقیر و سرافکنده کند تا وقتی که از تحقیر برادرش پشیمان شود و عذر خواهی کند.

پاره‌ای از روایات هستند که نشانه‌های بی‌ایمانی افراد را بیان می‌کند اینها مقابل صفات ایجابی هستند مانند بی‌صبری در مشکلاتی که در مسیر دینداری مواجه می‌شود و بی‌حیائی، مردم آزاری به ویژه همسایه آزاری و... که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۴. **بی‌صبری؛** از علی بن حسین امام سجاد(ع) روایت شده است: «لا ایمان لمن لا صبر له» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۷) کسی که در ایمانش استقامت و پایداری نیست گویی که ایمان ندارد.

۵. **بی‌حیایی؛** از امام صادق(ع) گزارش شده است: لا ایمان لمن لا حیاء له (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۶) کسی که حیا ندارد ایمان ندارد.

۶. **همسایه آزاری** در روایات اسلامی در رعایت حق همسایه بسیار تاکید شده است. از جمله روایت کلینی با اسنادش از پیامبر اکرم(ص) آمده است: امر رسول الله(ص) علیاً و سلمان و اباذر و... أن ینادوا فی المسجد بأعلى أصواتهم بآنه لا ایمان لمن لم یأمن جارَه بوائقه (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶۶۶) رسول خدا(ص) به علی(ع) و سلمان و اباذر دستور داد که در مسجد با صدای بلند اعلام کنند کسی که همسایه‌اش از آزارش در امان نباشد ایمان ندارد.

صدوق در خصال در حدیث مفصلی از امام صادق(ع) گزارش می‌کند که فرمودند هر مومنی مسلمان است اما هر مسلمانی مومن نیست. - مومن در حالی که مومن است دزدی نمی‌کند، مومن درحالی که مومن است زنا نمی‌کند. (صدوق، ۱۳۹۲، ص ۶۰۸)

۸۷. **پیمان شکنی و خیانت در امانت:** در قرآن و روایات در باره وفای به عهد و امانت داری بسیار تاکید شده است از این رو پیمان شکنی و خیانت در امانت از نشانه‌های بی‌ایمانی شمرده شده است. محمد بن محمد شعیری از راویان قرن ۶ هجری از پیامبر گرامی اسلام گزارش کرده است لا ایمان لمن لا امانه له ولا دین لمن لا عهد له (شعیری، ۱۳۶۳، ص ۷۴). و در غرر الحکم از امیرالمومنین علی(ع) آمده است «لا ایمان لمن لا امانه له» (تمیمی آمدی، عبد الواحد، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۱)

۹. دوستی با دشمنان خدا؛ صدوق در روایتی در نشانه‌های بی‌ایمانی می‌نویسد: لا ایمان

بالله الا بالبراءة من اعداء الله. ایمان به خدا محقق نمی‌شود مگر به دوری جستن و تبری از دشمنان خدا (تمیمی آمدی، عبد الواحد، ۱۴۱۰ق، ص ۶۰۹)

گفتنی است که در بعضی روایات مجموعه‌ای از صفات با هم آمده جهت اختصار به بعضی از آنها اشاره می‌شود صفات و رفتارهایی که با ایمان جمع نمی‌شود. مانند ظلم و ستم، دروغ، بخل، حسد، غیبت، اسراف و تذبذیر و... مانند روایات زیر:

صدوق با اسنادش از امام صادق(ع) گزارش می‌کند «سِتَّةٌ لَا تَكُونُ فِي الْمُؤْمِنِ، الْعُسْرُ وَ النَّكَدُ وَ اللَّجَاجَةُ وَ الْكَذْبُ وَ الْحَسَدُ وَ الْبَغْيُ» (صدوق، ۱۳۹۲، ص ۴۴۶) شش صفت در مؤمن راه ندارد: ناسازگاری، بخل، لجاجت، دروغ، حسادت و ظلم.

در ادامه صدوق(ره) برخی دیگر صفات رذیله‌ای که مومن از آن‌ها دوری می‌کند برمی‌شمارد و در ادامه می‌نویسد: مومن غیبت نمی‌کند و تکبر نمی‌ورزد، قطع رحم نمی‌کند، سست اراده، بداخلاق و درشت خو نیست، [نعمت] او را سرکش نمی‌کند و شکمش او را رسوا نمی‌سازد، شهوتش بر او غالب نمی‌شود. مومن بر مردم حسد نمی‌ورزد نه بر خودش تنگ می‌گیرد و نه اهل اسراف و تذبذیر (ریخت و پاش) است. (صدوق، ۱۳۸۹، ص ۹۴ و ۹۵)

مؤمن نماز را سبک نمی‌شمارد، منع صدقات و زکوة نمی‌کند، حرمت روزه و حج و شعائر دینی را حفظ می‌کند و... که در این مختصر مجال تفصیل نیست.

سنجش کیفی اعمال

از منظر تفکر اسلامی ملاک ایمان تنها کمیت اعمال نیست بلکه کیفیت آن مهمتر است. اما اگر بخواهیم با پرسشنامه آن را بسنجیم کار دشواری است و تنها با خود اظهاری می‌توان به کیفیت آن پی برد مثلاً از منظر جهان بینی اسلامی عملی مؤمنانه به شمار می‌آید که از ریا تهی بوده و خالصانه برای خدا باشد. به عنوان نمونه نماز اگرچه از شاخصه‌های بسیار مهم ایمان است اما اگر برای ریا و خود نمایی خوانده شود ارزشی ندارد و این خود انسان و فراتر از او خدا و اولیای خاص او می‌توانند این را بدانند. مگر اینکه فرد مورد آزمون در خود اظهاری

با کمال راستگویی و صداقت پرسشنامه را پر کند باز در اینجا تشخیص صادق بودن امری کیفی است. نتیجه اینکه گاهی با بررسی اعمال ظاهری اسلام یا مسلمان بودن افراد را می‌توانیم بسنجیم. چنانکه در سوره حجرات می‌خوانیم عده ای از اعراب بادیه به مدینه آمدند و به خدمت رسول اکرم(ص) رسیدند و با ادای شهادتین ادعای ایمان کردند خداوند فرمود بگویید اسلام آوردیم اما ایمان هنوز در قلبتان رسوخ نکرده است.(حجرات، ۱۴) در آیه بعد می‌فرماید مومنان واقعی کسانی هستند که با مال و جانشان در راه خدا جهاد می‌کنند در ادامه می‌فرماید: «اولئک هم الصادقون» اینان در ایمانشان صادق هستند. یعنی صداقت ایمانی با استواری آن و جهاد با مال و جان در راه خدا اثبات می‌شود. در سوره انفال نیز پس از بیان برخی ویژگی‌های مومنان مانند توکل و اقامه نماز و بخشش آنچه خدا به آنان روزی داده است. می‌فرماید: «اولئک هم المومنون حقاً».

نکته دیگر اینکه ایمان درجاتی دارد. از کف ایمان یا اسلام که شهادت به توحید و نبوت رسول خدا باشد تا مراتب بالاتر که از آن تعبیر به ایمان حقیقی شده است. با فزونی در معرفت و اعمال شایسته ایمان نیز تعالی پیدا می‌کند.

اهمیت عمل در تعالی درجه ایمان: در دسته اول در بعضی روایات آمده است که درجات ایمان به اعمال وابسته است. چنانکه کلینی در اصول کافی در روایتی از امام صادق(ع) در درجات ایمان آورده است که خدای عزوجل ایمان را در هشت قسم قرار داده است که عبارتند از: ۱- نیکوکاری، ۲- راستگویی، ۳- یقین، ۴- رضا، ۵- وفای به عهد، ۶- علم، ۷- حلم و بردباری. سپس آن را بین مردم تقسیم کرد به کسی که هفت سهم داده است او ایمانش کامل است و او بار ایمان را بر دوش کشیده است. و به برخی یک سهم و برخی دو سهم و برخی سه سهم داده است. (کلینی، اصول کافی، بی تا، ج ۳، ص ۷۰)

نتیجه گیری: خلاصه اینکه درآیات و روایات اسلامی چند دسته آیه و روایت داریم که در برخی از آن‌ها به اهمیت عمل در باروری ایمان و برخی دیگر جنبه اثباتی و نشانه‌های مومن

بودن است و دسته‌ی سوم آیات و روایاتی است که برخی از اعمال را نشان فقدان ایمان می‌داند. در این بحث مختصر پاره‌ای از صفات ایجابی که دلالت بر میزان ایمان آورندگان دارد و ویژگی‌هایی که دلالت بر ضعف و سستی ایمان و در نهایت بی‌ایمانی افراد دارد در دو ستون بر شمردیم.

نشانه‌های استواری ایمان (اعمال سنجش‌گرایجابی)	نشانه‌های سستی ایمان (اعمال سنجش‌گر سلبی)
۱. برپایی نماز و مداومت بر آن	۱. سبک شمردن نماز
۲. دادن زکات مال و انفاق کردن در راه خدا به نیازمندان	۲. امساک زکوٰه
۳. روزه ماه رمضان	۳. روزه خواری آشکار در ماه رمضان
۴. انجام حج واجب	۴. دروغ
۵. عدالت ورزی (رعایت عدل و انصاف در شهادت، قضاوت، حکومت و داد و ستد با مردم)	۵. ظلم و ستم
۶. راستگویی	۶. اسراف و تبذیر
۷. امر به معروف و نهی از منکر با شرایط آن	۷. تکبر و خود بزرگ بینی
۸. دوستی با مومنان و دوری جستن از دشمنان خدا	۸. غیبت
۹. ادای امانت	۹. پیمان شکنی
۱۰. وفای به عهد	۱۰. خیانت در امانت
۱۱. کسب پاک و حلال	۱۱. بخل و حسد
۱۲. صلح ارحام	۱۲. رشوه خواری و کسب حرام
۱۳. ترحم بر ضعیفان و دفاع از مظلومان	۱۳. قطع رحم
۱۴. خوبی کردن بر دیگران (احسان)	۱۴. بی‌اعتنایی نسبت به فرامین الهی و پیامبرش و اهل بیت پیامبر
	۱۵. بد خلقی و درشتخویی
	۱۶. اسیر شهوت و شکم
	۱۷. ناسازگاری با مردم به ویژه آزار همسایگان

<p>۱۸. بی صبری (جزع و فزع در حوادث زندگی) ۱۹. پرده دری و اتهام زنی به دیگران ۲۰. افشای لغزش‌های مومنان (تحقیر مؤمن)</p>	<p>۱۵. خوش خلقی و گشاده رویی ۱۶. پیروی از علم و تفقه در دین ۱۷. فرو خوردن خشم ۱۸. کنترل زبان در هنگام سخن گفتن (پرهیز از آفات زبان) ۱۹. خیر خواهی اهل بیت پیامبر (اطاعت از سنت پیامبر و اهل بیتش) ۲۰. هجرت و جهاد در راه خدا در هنگام ضرورت</p>
---	--

این‌ها پاره‌ای از اعمال عبادی و اخلاقی و رفتارهایی است که به عنوان نمونه می‌تواند ساختار پرسشنامه‌ای را تشکیل دهد که سنجشگرایمان باشد. اما با مراجعه به قرآن کریم و روایات صحیح موارد پر شماری می‌توان یافت؛ در قرآن مجموعه آیاتی که با «یا ایها الذین آمنوا» آمده و در آنها انجام عملی عبادی یا رفتاری اخلاقی را از آنان خواسته است -یا در توصیف مؤمنان سخنی گفته است اتصاف به آنها- شاخص و نشانه ایمان و زیر پا نهادن آنها نشانه فاصله گرفتن از معیارهای ایمان است به همین ترتیب در روایات شاخص‌ها و نشانه‌های خوبی برای ایمان و مؤمنان آمده است که استقصای آنها می‌تواند موضوع مقالات و آثار تحقیقی جدیدی باشد.

References

منابع

- قرآن
- ابن فارس، احمد، ترتیب مقایس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، ترتیب علی العسکری، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه ۱۳۸۲.
- ابن میثم بحرانی، قواعد فی علم الکلام تحقیق سید احمد قم کتابخانه آیه الله مرعشی ۱۴۰۶ق
- الله بداشتی، علی، توحید و صفات الهی، قم دانشگاه قم، ۱۳۹۹.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم، تحقیق رجائی سید مهدی، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ق.
- جوهری، اسماعیل ابن حماد، الصحاح، ج ۴، تحقیق احمد عبدالغفور، بیروت دارالعلم.
- حلی (علامه) حسن ابن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق حسن حسن زاده آملی قم مرکز نشراسلامی، ۱۴۰۷
- الحرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، ترجمه احمد حنفی عطایی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۷۳.
- شهرستانی، ملل و نحل، تحقیق امیر علی مهنا و...، بیروت دار المعرفه ۱۴۲۱، ۲۰۰۱م.
- شعیری، تاج الدین محمد بن محمد (قرن ششم)، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳.
- صدوق محمد بن علی ابن بابویه، خصال ترجمه محمد رحمتی، شهرضا، ابن بابویه محمد بن علی (صدوق) قم پیام علمدار ۱۳۹۲.
-صفات الشیعه ترجمه و تصحیح دکتر امیر توحیدی، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۹.
- صلواتی محمود، برگردان آهنگین و موزون نهج البلاغه، تهران، نشر سرائی، ۱۳۹۷.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان ترجمه محمد باقر موسوی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی ایران- قم ۱۳۷۴ ه. ش.
- فیض کاشانی، محسن-وافی، اصفهان کتابخانه امیرالمومنین ۱۴۰۶.

- العاملی زین الدین علی بن احمد حقایق الایمان، تحقیق سید مهدی رجایی، قم مکنبه آیةالله مرعشی بی تا
- کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی ۸ جلدی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران دارالکتب الاسلامیه ۱۴۰۷ هـ.ق.
- کلینی، اصول کافی، (۴جلدی) ج ۳، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید، المومن، تصحیح عبد الله صالحی، قم، نور السجاد، ۱۳۸۶.
- کاظم مدیر شانه چی و دیگران، موسوعه الحدیث النبوی، ج ۹ الاخلاق، مشهد بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۹۷.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط- القدیمه) - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۶ ق.
- معتزلی عبدالجبار شرح الاصول الخمسه، تحقیق عبد الکریم عثمان، قاهره مکتبه و هبه ۱۴۱۶ق ۱۹۹۶م.
- مفید محمد بن نعمان اوئل المقالات فی المذاهب و المختارات، قم مکتبه الداوری، بی تا
- مقداد، جمال الدین، اللوامع الالهیه، قم انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
- الهیات عملی - ویکی پدیا، دانشنامه آزاد <https://fa.wikipedia.org>